



عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیکست: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مأخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مأخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد
(الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- (ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبة و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعة المصطفی

فهرست مطالب

واکاوی «استملاک اتباع خارجه» در فقه اهلیت و حقوق ایران ۷

باز خوانی انتقادی نظریه وارستگی مایستراکهارت ۳۷

بررسی سیر تاریخی ماهیت اجازه در بیع فضولی از دیدگاه مذهب
شیعه ۶۱

ماهیت دیه ۸۱

شاخصه‌های قرآنی حمایت حکومت اسلامی از نگاه آیه الله العظمی
امام خامنه ای ۱۰۱

بررسی دیدگاه‌های فقهای امامیه در بابظهار در نکاح موقت ۱۲۵

قاعده عدم شفاعت در حدود و تسری آن به تعزیرات از دیدگاه فقه
اهل البیت (ع) فقه حنفی و حقوق ایران و افغانستان ۱۳۹

نقش عدالت در همگرایی بین المللی از منظر اسلام ۱۵۹

سال پنجم، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۱۹

بررسی دیدگاه‌های فقهای امامیه در بابظهار در نکاح موقت

سید احمد پور فاطمی^۱

چکیده

این تحقیق به بررسی وقوعظهار در نکاح موقت به عنوان یکی از مسائل مورد اختلاف بین فقهاء امامیه می‌پردازد. در این زمینه، به طور کلی سه دیدگاه اصلی از سوی فقهای امامیه مطرح شده است: نخست، برخی از فقها بر این باورند کهظهار تنها در جایی قابل تصور است که طلاق وجود داشته باشد، بنابراین با توجه به عدم وجود طلاق در نکاح موقت،ظهار نیز در آن مطرح نیست. دوم، نظر مشهور و اکثریت فقهای امامیه این است کهظهار در نکاح موقت مانند نکاح دائم وجود دارد. سوم، گروهی اندک از فقها در این مساله به توقف قائل شده‌اند. این تحقیق با روش «توصیفی تحلیلی» انجام شده است. یکی از اهداف این پژوهش، آشنایی بیشتر با احکام نکاح موقت است که یکی از مباحث مهم در فقه امامیه به شمار می‌رود و همچنین از جمله موضوعاتی است که بین امامیه و اهل عامه درباره صحت آن اختلاف نظر وجود دارد. در این نوشته، ابتدا به بررسی مفاهیم کاربردی که در اصل بحث تأثیرگذارند پرداخته شده و تلاش شده تا دیدگاه‌های فقها در سه بخش ارائه شود. از یافته‌های مهم این پژوهش، می‌توان به اشاره به تنوع دیدگاه‌های موجود در بین فقها درباره این مساله کرد.

کلید واژه:ظهار؛ نکاح موقت؛ طلاق

۱. مقدمه

نکاح موقت یکی از موضوعات مهم و اساسی در فقه اسلامی به شمار می‌رود که احکام متعددی در خصوص آن در منابع فقهی آمده است. این احکام شامل مواردی مانند مهریه در نکاح موقت، ارث‌بری، وقوع و عدم وقوع لعان، ایلاء و همچنین مسأله ظهار در نکاح موقت می‌باشد. هر یک از این موضوعات، به ویژه مسئله ظهار، مورد بحث و بررسی فقهاء قرار گرفته و در میان علما و فقهاء اختلاف نظرهایی وجود دارد که هر گروه از آنان با ارائه استدلال‌ات و دلایل خاص خود، موضعی متفاوت اتخاذ کرده‌اند.

یکی از مسائل مهم و قابل توجه در میان احکام نکاح موقت، موضوع وقوع یا عدم وقوع ظهار است که در کتب فقهی به صورت پراکنده به آن پرداخته شده است. این موضوع در میان فقهاء به شکل اختلاف‌آمیزی مطرح شده و طرفداران هر یک از دیدگاه‌ها، به تفصیل ادله و مستندات خود را بیان کرده‌اند تا حکم شرعی مربوط به این مسأله را روشن سازند. این اختلاف‌نظرها موجب شده است که نیاز به بررسی و واکاوی مستقل و جامع‌تری در این زمینه احساس شود، چرا که تا کنون بحث ظهار در نکاح موقت به صورت مستقل و متمرکز در آثار فقهی یا پایان‌نامه‌های علمی به طور مفصل مورد توجه قرار نگرفته است.

از سوی دیگر، اهمیت و جایگاه این بحث در فقه اسلامی و همچنین پراکندگی مطالب مرتبط با آن در منابع مختلف، دلیل قانع‌کننده‌ای است تا پژوهشگر به بررسی این موضوع به شکل مستقل بپردازد و ضمن ارائه مروری بر دیدگاه‌های مختلف، تحلیل دقیقی از این مسأله ارائه دهد. این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ علمی انجام شده و کوشیده است تا پس از تشریح معنای لغوی و اصطلاحی دو مفهوم «ظهار» و «نکاح»، در سه بخش مجزا به بررسی دیدگاه‌های فقهاء امامیه در این باره بپردازد و در پایان، نتایج و برداشت‌های نهایی خود را بیان نماید.

به طور کلی، این تحقیق نه تنها به دنبال جمع‌آوری نظرات مختلف فقهاء است، بلکه درصدد است تا با تحلیل و ارزیابی استدلال‌های ارائه شده، دیدگاهی جامع و

مستدل در خصوص وقوع یا عدم وقوع ظهار در نکاح موقت ارائه نماید و راهگشای محققان و دانشجویانی باشد که در این حوزه به دنبال فهم عمیق‌تری از این موضوع هستند.

۲. مبانی نظری

۱-۲. مفهوم شناسی ظهار

معنای لغوی ظهار: ظهار از ماده ظَهَر به معنای پشت، ابن منظور در لسان العرب در معنای واژه ظهر بیان می‌کند ظهر خلاف بطن است (ابن منظور، ۱۳۷۵، ۴، ۵۲۰). معنای اصطلاحی ظهار: ظهار از طلاق‌های بود که در جاهلیت قبل از اسلام رایج بود. در شرع مقدس عبارت است از اینکه مرد همسر خویش را به پشت مادر خود تشبیه کند به عبارت دیگر به او بگوید؛ «ظهرک علی کظهر امی» این معنای شرعی که فقهاء بیان کرده‌اند در کتب لغوی نیز بیان شده است، ابن درید در معنای کلمه ظهر بیان می‌کند ظاهر الرجل امراته ظهارا اذا قال: انت علی کظهر امی (ابن درید، ۱۴۰۷، ۷۶۴/نجفی، ۱۳۶۲، ۱۵، ۷۵).

آیت الله سبحانی از فقهاء معاصر در معنای شرعی ظهار اینگونه بیان می‌دارد: ظهر عبارت ظهرک علی کظهر امی، بمعنی دستگاه تناسلی است، یعنی دستگاه تناسلی شما عیناً مانند دستگاه تناسلی مادر من است، همانطور که دستگاه تناسلی مادر برای من حرام است، دستگاه تناسلی تو هم برای من حرام باشد، لذا در زمان جاهلیت بجای طلاق می‌گفتند: ظهرک کظهر امی (سبحانی، ۱۳۷۵/۹۸، مدرسه فقهات)

۲-۲. مفهوم شناسی نکاح

معنای لغوی نکاح: نکاح مصدر نکح ینکح بر وزن ضرب یضرب می‌باشد در کتب لغت برای این واژه معانی مختلفی بیان شده است؛ راغب در مفردات در معنای نکاح بیان می‌کند، نکاح دراصل برای عقد است ولی بعد برای جماع به کاررفته است ولی محال است که در اصل این کلمه برای جماع باشد، بعد این کلمه عاریه گرفته شده است برای عقد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۰۵).

جوهری در صحاح اللغة در معنای واژه نکاح بیان می‌کند که نکاح عبارت است

از وطی و گاهی معنایی این واژه در معنای عقد می‌باشد، ظاهر کلام جوهری این است که نکاح مشترک لفظی است بین وطی و عقد (جوهری، ۱۳۶۸، ۱، ۴۱۳). العین نیز همین معنا را بیان کرده است.

فیومی در مصباح المنیر به گونه‌ای دیگر به معنای نکاح می‌پردازد؛ ایشان بیان می‌کند نکاح مجاز در عقد وطی می‌باشد (فیومی، ۱۳۸۳، ۶۴۲).

۲-۳. معنی اصطلاحی نکاح

در معنای شرعی نکاح بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد، برخی از فقهاء در معنای شرعی نکاح بیان می‌کند نکاح حقیقت در عقد است نه وطی، صاحب جواهر در معنای نکاح بیان می‌کند که نکاح حقیقت در وطی می‌باشد (شهید ثانی، ۱۳۶۸، ۷، ۷).

آیت الله شبیری از فقهاء معاصر در توضیح معنای شرعی نکاح اینگونه بیان می‌کند:

کلمه «نکاح» در استعمال آن در قرآن و بیشتر روایات و کلمات فقهاء به خصوص در کتاب النکاح به معنای عقد نکاح در مقابل طلاق است اما به معنی وطی که یکی از معانی آن است خیلی کم استعمال می‌شود و شهید ثانی رحمه الله هم تصریح کرده که معنای حقیقی نکاح همان عقد است نه وطی که البته این ممکن است از باب وضع تعینی یا تعینی باشد. صاحب جواهر به تبع عده‌ای از فقهاء، کلمه نکاح را در اینجا به وطی تفسیر کرده است. اول کسی که ما این تفسیر را از او دیدیم فخر المحققین در ایضاح (شرح قواعد) است. بعد محقق ثانی که در بسیاری از موارد تابع فخر المحققین است او هم در جامع المقاصد که آن هم شرح قواعد است این تفسیر را کرده و بعد از ایشان صاحب مدارک در نه‌ایة المرام و کاشف اللثام در شرح قواعد و صاحب ریاض همین تفسیر را کرده‌اند (شبیری، ۱۳۷۷، ۱۴، ۴۵۶۹).

۳. بررسی دیدگاه فقهاء

فقهاء شیعه در خصوص امکان تحقق ظهار در عقد موقت، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را به‌طور کلی در سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد. گروه

نخست از فقهاء بر این باورند کهظهار صرفاً در نکاح دائم قابلیت تحقق دارد و در عقد موقت جاری نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، آنان معتقدند که شرایط و احکامظهار به نحوی تنظیم شده‌اند که شامل نکاح موقت نمی‌گردد و در نتیجه، اظهارظهار در قالب ازدواج موقت از نظر فقهی فاقد اثر و اعتبار است. در مقابل، گروه دوم از فقهاء قائل به آن هستند کهظهار در نکاح موقت نیز همانند نکاح دائم تحقق می‌یابد و آثار شرعی مترتب بر آن جاری می‌شود؛ این دسته با تکیه بر عمومات ادلهظهار و یا با تحلیل‌هایی خاص از ماهیت عقد موقت، چنین نظری را اتخاذ کرده‌اند. در میان این دو دیدگاه اصلی، نظر سومی نیز وجود دارد که توسط گروهی اندک از فقهاء بیان شده است و آن توقف در حکم مسئله است؛ به این معنا که ایشان به دلیل نبودن دلیل قطعی و صریح یا تعارض ادله، از اظهار نظر قطعی در باب وقوع یا عدم وقوعظهار در عقد موقت خودداری کرده‌اند و حکم نهایی را به بررسی و تحقیق بیشتر یا احتیاط واگذار نموده‌اند.

۱-۳. دیدگاه اول: عدم وقوعظهار در نکاح موقت

برخی از فقهاء امامیه بر این نظرند کهظهار در عقد موقت محقق نمی‌شود و اختصاص به نکاح دائم دارد. از جمله این فقهاء می‌توان به مرحوم شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق) اشاره کرد. ایشان در اثر فقهی خود «الهدایة» تصریح می‌کند کهظهار تنها در مورد طلاق تحقق می‌یابد. مقصود شیخ صدوق از این عبارت آن است کهظهار به عنوان یکی از احکام مترتب بر نکاح، تنها در جایی معنا دارد که طلاق به عنوان راهی برای پایان دادن به زوجیت وجود داشته باشد، و چون در عقد موقت طلاق جاری نمی‌شود و پایان آن با انقضای مدت یا بذل آن صورت می‌گیرد، در نتیجهظهار نیز در این نوع از ازدواج راه ندارد. بنابراین، از دیدگاه وی،ظهار مخصوص نکاح دائم است که طلاق در آن موضوعیت دارد، و در نکاح موقت محلی از اعراب ندارد (صدوق، ۱۴۱۸، ۲۷۳). علاوه برایشان مرحوم ابن ادریس متوفای (۵۹۸) در کتاب سرائر بیان کرده است کهظهار در نکاح موقت نیست، مرحوم علامه حلی متوفای (۷۲۶) در کتاب مختلف الشیعه به نقل فتاوی مرحوم اسکافی پرداخته است

و بیان کرده است که ایشان بیان کرده است که در نکاح موقت ظهاری وجود ندارد، خود ایشان نیز در کتاب ارشاد الازدهان الی الاحکام الایمان بیان کرده است که در نکاح موقت ظهاری وجود ندارد (ابن ادریس، ۱۳۷۸، ۱۱، ۷۰۹/ حلی، ۱۳۷۴، ۷، ۴۰۸/ حلی، ۱۴۱۰، ۲، ۱۲).

از دیگر فقهاء برجسته‌ای که قائل به عدم تحقق ظهار در نکاح موقت شده‌اند، مرحوم شیخ انصاری (قدس سره) است. ایشان در تبیین این دیدگاه، به دو نکته اساسی اشاره می‌فرماید که هر یک به نوبه خود در نفی ظهار از عقد موقت نقش دارند. نخست آن‌که از دیدگاه شیخ، وطی در ازدواج، به ویژه در نکاح موقت، از جمله واجبات محسوب نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، روابط زناشویی در این نوع عقد الزام‌آور نبوده و می‌تواند بر پایه توافق طرفین یا به واسطه شرایط خاصی، ترک شود. دوم آن‌که از نظر فقهی، یکی از ارکان تحقق ظهار، امکان طلاق است؛ در حالی که در نکاح موقت، طلاق به عنوان راه انحلال عقد وجود ندارد و پایان این نوع ازدواج یا با انقضای مدت مقرر صورت می‌پذیرد یا با بذل مدت از سوی مرد محقق می‌شود. با توجه به این دو نکته، شیخ انصاری به این نتیجه می‌رسد که ظهار در نکاح موقت موضوعیت ندارد، چرا که زمینه‌های تحقق آن، اعم از الزام به وطی و امکان طلاق، در چنین عقدی فراهم نیست. بنابراین، ظهار تنها در نکاح دائم معنا و اثر دارد و در نکاح موقت نمی‌تواند مصداق پیدا کند. (انصاری، ۱۴۱۵، ۲۲۶).

از فقهای معاصر آیت الله سبحانی قائل می‌باشند به این که در نکاح موقت ظهار واقع نمی‌شود و مخصوص نکاح دائم می‌باشد (سبحانی، ۱۴۱۶، ۲، ۱۸).

۲-۳. ادله قائلین به عدم وقوع ظهار در عقد موقت

دلیل اول: اخبار

اخبار دال بر عدم وقوع ظهار در عقد موقت: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَلَا يَكُونُ الظَّهَارُ إِلَّا عَلَى مَوْضِعِ الطَّلَاقِ» مرحوم شیخ صدوق الفقیه به این روایت تمسک کرده است برای اینکه ظهار در عقد موقت وجود ندارد البته این روایت در کتاب من لایحضر الفقیه به صورت مرسل بیان شده است ولی در کتاب شریف کافی این روایت را

مرحوم کلینی با این سند بیان می‌کند هر چند در انتهای این سند نیز ارسال وجود دارد. ابْنُ فَضَّالٍ، عَمَّنْ أَخْبَرَهُ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَا يَكُونُ الظَّهَارُ إِلَّا عَلَى مِثْلِ مَوْضِعِ الطَّلَاقِ» (صدوق، ۱۳۶۳، ۳، ۵۵۰/کلینی، ۱۳۶۳، ۱۱، ۷۱۸).

مرحوم شیخ طوسی نیز در کتاب التهذیب الاحکام به بیان این روایت نیز پرداخته است؛ وَی ابْنُ فَضَّالٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا يَكُونُ ظَهَارٌ إِلَّا عَلَى مِثْلِ مَوْضِعِ الطَّلَاقِ» (طوسی، ۱۳۶۵، ۸، ۱۳).

آیت الله سبحانی از فقهاء معاصر به این روایت تمسک کرده است و بیان کرده است کهظهار در نکاح موقت نیست و این روایت را صحیح می‌دانند و بیان کرده است که مشایخ ثلاث یعنی مرحوم صدوق و مرحوم کلینی و شیخ طوسی این روایت را بیان کرده اند (سبحانی، ۱۴۱۶، ۲، ۱۹).

دلیل دوم: لازمهظهار این است که حاکم مرد را به احد الامرین الزام کنند که یا طلاق بدهد و یا کفارہ یا؛ اما در مورد عقد موقت، طلاق راه ندارد بلکه با پایان مدت دیگری نکاحی وجود ندارد

دلیل سوم:ظهار در واقعظهار ارغام برای ترک وطی برای زوجه دائمه است ولی در نکاح موقت وطی به سود مرد می‌باشد لذاظهار در آن وجود ندارد (اراکی، ۱۳۷۷، ۲۲۶/سبحانی، ۱۴۱۶، ۲، ۲۰).

اشکال به دلیل اول: اشکال اولی که نسبت به این روایت فقهاء بیان کرده‌اند اشکال سندی این روایت می‌باشد. فقهاء بیان کرده‌اند اولاً "سند روایت ضعیف است؛ زیرا این روایت مرسله است و جابری هم ندارد برخی از فقهاء مانند فاضل آبی در اشکال به این حدیث بیان می‌کند مرسله فضالیه است (فاضل آبی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۵۷).

اشکال دوم: اشکال به روایت از حیث دلالت.

جهت اول: مرحوم محقق کرکی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر در جخت اول اشکال بیان می‌کنند؛ در مرسله بیان شدهظهار مثل طلاق است. این مماثلت دلیل بر مماثلت بر جمیع جهات نیست بلکه اگر از یک جهت هم با هم شباهت داشته باشند می‌توانیم بگوییم که این دو مثل هم می‌باشند (کرکی، ۱۴۱۴، ۱۳).

۳۸/ نجفی، ۱۴۲۱، ۳۳، ۱۲۵).

جهت دوم: مرحوم صاحب جواهر و مرحوم صاحب ریاض، در جهت دوم این اشکال بیان می‌کند این مسئله از محل بحث (وقوعظهار در نکاح موقت) ما انصراف دارد ایشان می‌فرمایند ممکن است بگوییم اینکه در روایت فرموده:ظهار مثل طلاق است یعنی شرائطی که هنگام طلاق لازم است باید هنگامظهار هم باشد مثلاً هنگام طلاق زن نباید حائض باشد درظهار هم زن نباید حائض باشد تاظهار محقق شود (طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۱، ۳/ نجفی، ۱۴۲۱، ۳۳، ۱۲۵).

در تایید جهت دوم از اشکال می‌توان به روایاتی اشاره کرد؛ مرحوم صاحب وسائل به بیان سه روایت می‌پردازند این سه روایت می‌توانند شاهد بر فرمایش صاحب جواهر باشند.

روایت اول: مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ عَنْ حُمْرَانَ فِي حَدِيثٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكُونُ ظَهَارٌ فِي يَمِينٍ وَلَا فِي إِضْرَارٍ وَلَا فِي غَضَبٍ وَلَا يَكُونُ ظَهَارٌ إِلَّا فِي طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَهَادَةِ شَاهِدَيْنِ مُسْلِمَيْنِ (عاملی، ۱۴۱۶، ۲۲، ۳۰۸).

روایت دوم: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رَبَّابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ: أَنَّهُ سَأَلَهُ كَيْفَ الظَّهَارُ فَقَالَ يَقُولُ الرَّجُلُ لِامْرَأَتِهِ وَهِيَ طَاهِرٌ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ مِثْلُ طَهْرٍ أُمِّي وَهُوَ يُرِيدُ بِذَلِكَ الظَّهَارَ (همان).

روایت سوم: إِسْنَادُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ عَنْ (حُمْرَانَ) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَا يَكُونُ ظَهَارًا إِلَّا عَلَى طَهْرٍ بَعْدَ جَمَاعٍ بِشَهَادَةِ شَاهِدَيْنِ مُسْلِمَيْنِ. (حر عاملی) (همان).

۳-۳. دیدگاه دوم: وقوعظهار در نکاح موقت

قبل از بیان اقوال در دیدگاه دوم ذکر این نکته لازم است، برخی از فقهاء امامیه به صراحت بیان نکرده‌اند کهظهار در نکاح موقت نیست ولی از برخی از فرمایشات آن‌ها به دست می‌آید که وقوعظهار در نکاح موقت صحیح می‌باشد، لذا لازم است که به این اقوال نیز پرداخته شود.

محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید متوفای (۴۱۳) در کتاب المسائل الصاغانیه^۱ در جوازظهار در نکاح موقت بیان می‌دارد،ظهار در نکاح موقت مانند نکاح دائم واقع می‌شود از فرمایشات مرحوم شیخ مفید دراین کتاب فهمیده می‌شود که ایشان وقوعظهار دراین مساله مورد پژوهش را اجماعی می‌داند(مفید، ۱۴۱۳، ۴۸).

از دیگر فقهاء امامیه که قائل به جواز بهظهار در نکاح موقت می‌باشند مرحوم ابو الصلاح حلبی (۴۴۷م) مؤلف کتاب الکافی می‌باشد، ایشان در باب احکام نکاح موقت بیان می‌دارد؛ ایلاء، لعان، در نکاح موقت وجود ندارد ولی وقوعظهار در نکاح موقت صحیح و خالی از اشکال می‌باشد علاوه بر ایشان مرحوم ابن زهره (۵۸۵م) نیز قائل به صحت وقوعظهار در نکاح موقت می‌باشد(حلبی، ۱۳۶۸، ۲۸/ ابن زهره، ۱۳۶۷، ۵، ۱).

ابن براج (۴۸۱م) از دیگر فقهای است که بصراحت به این موضوع نپرداخته است، ولی از برخی از فرمایشات ایشان به دست می‌آید که ایشان بر طبق آیه «۳سوره مجادله» قائل به وقوعظهار در نکاح موقت می‌باشد. به این نحو که کلمه نساء در آیه اطلاق دارد وشامل همه زنها می‌شود(ابن براج، ۱۳۷۴، ۱۸۷).

محقق حلی (۶۷۶م) از فقهاء امامیه در وقوعظهار در عقد موقت در کتاب مختصر النافع بیان می‌کند که دراین مساله تردید وجود دارد؛ ولی در کتاب شرایع الاسلام بیان می‌کند اظهر اقوال این است که واقع می‌شود، البته ابتداء به ترددی که در مختصر النافع بیان کرده است اشاره می‌کند ولی در نهایت فتوای خویش را اینگونه بیان می‌دارد کهظهار در نکاح موقت واقع می‌شود(محقق حلی، ۱۳۷۶، ۱، ۱۸۲/ همان، ۱۴۰۸، ۲، ۲۵۰).

فاضل آبی از دیگر فقهای امامی که کتاب خویش در شرح مختصر النافع محقق

۱ [فصل وقوعظهار في نكاح المتعة] فصل فيقال له ما تزال تزيد على الدعوى بغير برهان و الحكم بغير بيان كأنك مطبوع على التخليط و الهذيان. عندنا أن الظهار يقع على المستمتع بها، كما يقع على غيرها من الأزواج الحرائر و الإماء و في أصحابنا من يوقعه على ملك الإيمان، فأى خلاف في هذا الإجماع و هل معك فيه إلا محض الحكم الجائر و الدعوى بغير بيان.

حلی نوشته، در وقوعظهار در نکاح موقت بعد از بیان اختلاف فقهاء در این مساله بیان می‌کند که قول قوی وقوعظهار در نکاح موقت می‌باشد به دودلیل:
دلیل اول: اطلاق و عموم آیه شریفه.

دلیل دوم: ضعف دلیل قائلین به عدم جواز، از جهت اینکه این روایت مرسله فضالیه است و باعث تشریع نمی‌شود (فاضل آبی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۷۵).

از دیگر فقهائی که قائل می‌باشند در نکاح موقتظهار وجود ندارد؛ سید علی طباطبایی در کتاب ریاض المسائل و شیخ محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶) مشهور به صاحب جواهر، البته در کتاب نکاح مختارش با انتخابش در کتابظهار با هم فرق می‌کند. در کتاب نکاح ایشان متمایل است که در نکاح متعهظهار نیست و شاهدی هم بیان می‌کنند که در متعه ایلاء و لعان نیست و این موید عدمظهار در متعه است. اما در کتابظهار می‌فرمایند؛ در متعهظهار وجود دارد و در ادله قائلین به عدمظهار در متعه مناقشه می‌کنند. چون کتابظهار موخر نگاشته شده قهراً نظر موخر ثابت است و ایشان قائل به وقوعظهار در متعه می‌باشند. کما اینکه خودشان تصریح کرده‌اند که کتابظهار را بعد از کتاب نکاح نوشته‌اند (نجفی، ۱۴۲۱، ۳۳، ۱۲۵). از فقهاء معاصر امام خمینی و آیت الله اراکی قائل به این هستند که در نکاح موقتظهار وجود دارد (اراکی، ۱۳۷۷، ۴۱۱/امام خمینی، ۱۳۹۲، ۲، ۳۸۲).

ادله قول دیدگاه دوم:

دلیل اول: آیه دوم سوره مجادله: **الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهُاتِهِمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ.**

ترجمه آیه: مردانی که زنانشان راظهار می‌کنند بدانند که با این کلمه زنانشان مادرشان نخواهند بود و مادرانشان فقط کسانی هستند که از آن‌ها متولد شده‌اند.

کیفیت استدلال به آیه: فقهائی که قائل شده‌اندظهار در نکاح موقت واقع می‌شود بیان کرده‌اند کلمه نساء که در آیه دوم سوره مجادله ذکر شده اطلاق دارد و این اطلاق هم شامل زوجه دائمه است و هم زوجه متعه را شامل می‌شود. لذا همان طوری که در نکاح دائمظهار واقع می‌شود در نکاح موقت نیز قابل جریان است (نجفی، ۱۴۲۱، ۳۳، ۱۲۵).

دلیل دوم: اجماع در کلام شیخ مفید در رساله صاغانیه (مفید، ۱۴۱۳، ۴۸).

دیدگاه سوم: قائلین به توقف

مرحوم شیخ یوسف بحرانی، معروف به صاحب حدائق، از فقهای برجسته شیعه و متوفی سال ۱۱۸۶ هجری قمری، در بررسی موضوع وقوعظهار در نکاح موقت، ابتدا به وجود اختلاف نظر در میان فقهای شیعه اشاره می‌کند. ایشان بیان می‌دارد که در این مسئله نظر واحدی وجود ندارد و دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. برخی از علمای مشهور شیعه بر این عقیده‌اند که زوجه در عموماً وارد در متون فقهی شامل هر دو نوع نکاح یعنی نکاح دائم و نکاح موقت می‌شود، و به همین دلیل،ظهار نیز در هر دو مورد واقع می‌شود و آثار شرعی آن جاری است. این گروه معتقدند که مفاهیم و مصادیق ظهور، از جمله ظاهری بودن لفظظهار و تعمیم آن به کلیت ازدواج، شامل نکاح موقت نیز می‌گردد. در مقابل، برخی دیگر از فقهای مطرح شیعه، همچون ابن بابویه و ابن ادریس، به صراحت قائل به عدم تحققظهار در نکاح موقت شده‌اند و بر این باورند کهظهار مختص نکاح دائم است و در نکاح موقت مصداق ندارد.

پس از اشاره به این اختلاف و تنوع دیدگاه‌ها در میان فقها، صاحب حدائق نظر خود را بیان می‌کند و معتقد است که در این مسئله باید با احتیاط برخورد نمود و حکم قطعی صادر نکرد؛ زیرا دلیل روشنی و قاطع در این زمینه وجود ندارد که بتواند یک نظر را بر دیگری ترجیح دهد. علاوه بر این، خود این موضوع از مسائلی است که محل تردید و اختلاف میان فقهاء است و تا زمان رسیدن به دلیل یا برهان قوی‌تر، بهتر است درباره آن توقف کرد و در اتخاذ حکم نهایی تعجیل ننمود.

أقول: والمسألة أيضاً محل توقف، لعدم الدليل الواضح، وبالتردد في المسألة أيضاً صرح السيد السند في شرح النافع وهو في محله (بحرانی، ۱۳۶۳، ۴، ۱۷۵).

۴. نتیجه گیری

در موضوع وقوعظهار در نکاح موقت، دیدگاه‌های فقهاء به سه دسته کلی تقسیم می‌شود: نخست، گروهی بر این باورند کهظهار در نکاح موقت رخ نمی‌دهد و این حکم مختص نکاح دائم است. دوم، عده‌ای معتقدند کهظهار در نکاح موقت نیز ممکن و واقع می‌شود. و سوم، گروهی از فقهاء در این زمینه حکم به توقف داده‌اند و اظهار نظر قطعی نکرده‌اند تا با بررسی بیشتر به نتیجه مشخصی برسند.

با توجه به تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای که در این موضوع صورت گرفته است، می‌توان گفت که نکاح موقت در برخی از احکام شرعی به نکاح دائم شباهت داشته و از این نظر تفاوت چندانی بین آن دو وجود ندارد. اما در مسأله خاص وقوعظهار، اختلاف نظرهای قابل توجهی میان فقهاء دیده می‌شود که این موضوع را به یک بحث پیچیده و چالش برانگیز تبدیل کرده است.

با بررسی و تحلیل استدلال‌های ارائه شده توسط فقهای معاصر و همچنین مراجع دیگر، دلایلی مستند و قابل اتکا وجود دارد که نشان می‌دهد نظر غالب و صحیح در این زمینه، عدم وقوعظهار در نکاح موقت است. این دیدگاه بر این مبنا استوار است که اصول و اهداف نکاح موقت متفاوت از نکاح دائم بوده و از همین رو برخی از احکام خاص نکاح دائم مانندظهار، در نکاح موقت جاری نمی‌شود.

بنابراین، با توجه به مستندات و مباحث مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که در نکاح موقت نمی‌توان حکم به وقوعظهار داد و این حکم منحصر به نکاح دائم است. البته این موضوع همچنان نیازمند بحث و بررسی‌های بیشتر است، اما از دیدگاه فقهی معاصر و شواهد موجود، نظر عدم وقوعظهار در نکاح موقت قوی‌تر و معتبرتر به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

کتابها

قرآن کریم

۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳) الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری،

- محمدآخوندی، ایران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۵.
۲. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵) تهذیب الاحکام، تحقیق علی اکبر غفاری، محمدآخوندی، ایران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۴.
۳. ابن باویه، محمد بن علی (۱۳۶۳) من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، ایران، قم، جامعه مدرسین، چ ۲.
۳. ابن باویه، محمد بن علی (۱۴۱۸) الهدایه الی اصول و الفروع، تحقیق مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام، ایران، قم، چ ۱.
۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳) المسائل الصاغانیه، محمد المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ایران، قم، چ ۱.
۵. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۸۲) کتاب النکاح، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ایران، قم، چ ۱.
۶. بحرانی، شیخ یوسف (۱۳۶۳) الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، تحقیق عبدالرزاق مقرر، محمدتقی ایروانی، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، ایران، قم، چ ۱.
۷. آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۰۸) کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، تحقیق علی پناه اشتهاودی، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، ایران، قم، چ ۱.
۸. نجفی، محمد حسن (۱۴۲۱) جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام، تحقیق مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ایران، قم، چ ۱.
۹. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۷۶) مختصر النافع فی فقه الامیه، مطبوعات دینی، ایران، قم، چ ۶.
۱۰. حلبی، تقی بن نجم (بی‌سا) الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، کتبه الإمام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامة، ایران، اصفهان، چ ۱.
۱۱. حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰) السرائرالحاوی لتحریر الفتاوی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران، قم، چ ۲.

۱۲. سبحانی، جعفر (۱۴۱۶) نظام النکاح فی شریعه الاسلامیه الغراء، موسسه امام صادق، ایران، قم، چ ۱.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴) لسان العرب، دار الصادر، بیروت، چ.
۱۴. ابن درید، محمد بن الحسن (۱۹۸۷) جمهره اللغه، دار العلم للملایین، بیروت، چ ۱.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴) المفردات فی الفاظ القرآن، دفتر نشر الکتاب، چ ۲.
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۴) مختلف الشیعه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم، چ ۲.
۱۷. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰هـ) ارشاد الازدهان الی احکام الایمان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم، چ ۱.
۱۸. اراکی، محمد علی (۱۳۷۷) کتاب النکاح، نور نگار، ایران، قم، چ ۱.
۱۹. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲) تحریر الوسیله، جامعه مدرسین حوزه قم، ایران، قم، چ ۲.